

## شناسائی حدیث

حدیث، که در اسلام ردیف و هم‌تراز قرآن کتاب خدا قرار داده شده، داستانی مشروح و مفصل دارد که ما اینجا برای خوانندگان گرامی صفحه‌ای اختصاص می‌دهیم تا با رعایت اختصار و تناسب تدریجاً قسمت‌هایی از آن بررسی شده با آن آشنا شویم.

- ۱ - حدیث چیست؟
- ۲ - موقعیت حدیث در اسلام
- ۳ - حدیث بدون قرآن یا قرآن بدون حدیث؟
- ۴ - حدیث در رشته‌های گوناگون.
- ۵ - تفسیر و فهم حدیث.

\* \* \*

### ۱ - حدیث چیست؟

حدیث بفارسی یعنی تازه، و چون کسی جریان گذشته‌ای را باز گو کند، گویا برای شنونده تازه‌ای بوده و گفته و نقل وی را حدیث می‌گویند. نقل و بازگو کردن حوادث، در زندگی اجتماعی بشر خود فصلی داشته، و در ادیان آسمانی مخصوصاً شریعت مقدس اسلام نیز وزنه و جایی دارد.

حدیث خدمات بزرگی به تمدن و پیشرفت زندگی بشر نموده ، بطوری که اگر آن را از زندگی حذف کنیم بمقدار زیادی باید تنزلش داده و گاهی در بن بستهای غیر قابل عبوری متوقفش سازیم .

حدیث و بازگو کردن ، در آن روزگارهایی که بشر خواندن و نوشتن را نیاموخته ، و بعدها که دایره این دو محدود و کوچک بوده ، اولین وسیله انتقال افکار و تجربیات گذشتگان بنسل موجود ، و از او باینده بحساب میآمد . بطور کلی باید گفت بازگو کردن حوادث ، حتی پس از آنکه بشر خواندن و نوشتن را هم بخوبی آموخت ، یکی از بزرگترین وسیله‌هایی بوده که افکار ، تجربیات و علوم نسلهای بشری را یکی پس از دیگری نگهداری و منتقل میکرده است .

حدیث در ادیان آسمانی هم بسهم خود خدماتی داشته و معارف انبیاء را نگهداری یا منتقل میساخته است .

حدیث در شریعت مقدس اسلام هم بنوبه خود جای داشته و همان کار طبیعی خود را بطور دقیق تر انجام داده و میدهد .

بترتیبی که گفته شد کلمه حدیث را به نقل و بازگو کردن می‌توان گفت ، امداد اصطلاح اسلام ، تنها به نقل مطالبی گفته میشود که از رهبران و پیشوایان دینی ، و مر بوط به معارف آسمانی و احکام و مقررات یا اخلاق و آداب باشد . اینجاست که حدیث از تاریخ اسلام جدا شده و هر يك فصلی پیدامیکنند ، نقل کارهای اجرائی اسلام و پیشوایان اسلامی از مسافرتها ، جنگها ، و نشست و برخاستها را حدیث نمیگویند .

درست است که تاریخ حدیث و چگونگی آن ، و پایه و ارزش و اثرش را در اسلام باید از کتاب تاریخ عمومی اسلامی بخوانیم ، اما این فصل را جایگاه حدیث در اسلام میگویند چنانچه جایگاه قرآن و ارزش و آثار آن را هم باید در تاریخ عمومی اسلامی بررسی کرد ، اما تاریخ اسلام نیست ، یعنی بررسی در جایگاه قرآن یا حدیث در اسلام را در برابر بررسی تاریخ اسلام باید دید گرچه تاریخ هر دو بحث را از نظر عمومی در بردارد .

پیشوای معظم اسلام ، رسول اکرم (ص) طبق حدیثی که فریقین (شیعه و

سنی) نقل کرده اند فرموده است : من در میان امت خود دو چیز با ارزش را پیادگار میگذارم و تاروژی که جامعه اسلامی بآنها عنایت داشته باشد گمراه نخواهد شد .  
**اول: قرآن، کتاب خدا ، دوم : عترت خود ،** در صورتیکه افراد و اشخاص عترت گرچه همیشه یکی از آنان در بین امت بوده وهست ، اما بدیهی است که خود آنها قابل تمسک نبوده ، و منظور پیغمبر گفته ها و دستورالعملهای آنهاست ، بالنتیجه باید گفت : آن دو یادگار ، **قرآن و حدیث ، کتاب و سنت است (۱)**

در باره کتاب خدا کوچکترین شك و تردیدی نبوده که از زمان نزول فرود آمدن آیاتش به قلب مقدس پیغمبر اکرم تا امروز ، هماره مورد توجه و عنایت جامعه اسلامی بوده ، کتاب علم ، قانون ، احکام ؛ اخلاق و آداب اصیل آنها شمرده شده و میشود .



#### ۴ - جایگاه حدیث در اسلام

اما حدیث در طول تاریخ حیوة خود گرفتار پیچ و خمهایی شده و گاهی به خطر افتاده است .

بسی جای شگفتی است که هنوز از در گذشت پیغمبر اسلام چیزی نگذشته بود که یکی از رجال خشن اسلامی بخاطر ارتباط و پستی که در دستگاه حاکمه داشت ، و سپس خود در رأس آن قرار گرفت ، از گفتن و نوشتن حدیث سخت جلوگیری کرده و منطقی عجیب داشت .

او میگفت : اگر مسلمین از راه حدیث با گفته های رسول خدا سروکار پیدا کرده و وقت خود را صرف گفتن و نوشتن تاریخ زندگی پیغمبرشان نموده و در هر جلسه ای بگویند حضرتش چنین میگفت و چنین میکرد ، کم کم سرگرم حدیث شده ؛ کتاب خدامتروک و از بین میرود ، در صورتیکه قرآن بزرگترین خزانه معارف اسلامی بوده و مسلمین را همین کتاب کافی است .

(۱) منظور از کلمه سنت که تفسیر عترت است حتماً مطلق حدیث است گر چه در اصطلاح اهل سنت فقط با حدیثی گفته میشود که از رسول خدا (ص) نقل شده باشد .

البته برای این استدلال هم شاهد می‌آورد و زندگی مسیحیت را گواه می‌گرفت .

او می‌گفت ممکن است برای اسلام هم همان بلائی پیش بیاید که برای مسیحیت پیش آمد .

او می‌گفت چون پیروان مسیح سرگرم نقل و بازگو کردن گفتار و رفتار شخصی مسیح شدند ، از کتاب آسمانیشان بازمانده ، رفته رفته باین اختلاف و تشتت وضع و پراکندگی کشیده شدند (۱)

او می‌گفت برای پیش گیری از چنین خطری باید از بحث و گفتگو کردن در اطراف گفتار و کردار رسول اکرم جلوگیری نمود ؛ تا مردم فقط با قرآن سروکار داشته و تمام احتیاجات خود را از آن بگیرند .

او این نظریه خود را که در انجمنی طرح و تصویب کرده بود با اجرا گذاشت و جداً با مخالفین خود مبارزه میکرد و این جریان سالها طول کشید و طرفداری از این فکر حدود یک قرن گرفتاریهای زیادی در وضع حدیث پدید آورد . (نا تمام)

(۱) بدیهی است که منظور وضع مسیح چون مقارن ظهور اسلام است .

## تسلیمت

در گذشت مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد رضا شیخ الاسلام نجل علامه فقید سید نعمت الله جزائری (ره) را که در شب ۱۹ ماه مبارک رمضان در اهواز پس از یک عمر زحمت در راه هدایت و ارشاد مسلمانان ، دعوت حق را لبیک گفتند بعالم روحانیت ، خصوصاً فرزندان دانشمند محترم آقای سید محمد جعفر شیخ الاسلام همکار گرامی . در این نشریه ، تسلیمت می‌گوئیم .